

آموزش درک متقابل ماهیت جنسیتی و تغییر نگرش دانشجویان دختر (۱۸ الی ۲۴ ساله) نسبت به نحوه انتخاب همسر

عالیه فرامرزی

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

دکتر معصومه اسمعیلی

عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

دکتر کیومرث فرحبخش

عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

چکیده

در این پژوهش به بررسی تأثیر آموزش درک متقابل ماهیت جنسیتی بر تغییر نگرش دختران (۱۸ الی ۲۴ ساله) پرداخته شد. جامعه مورد تحقیق دانشجویان مرکز جهاد دانشگاهی شهر شیراز بودند. در این تحقیق ۳۰ دانشجو از افراد داوطلب که شرایط تحقیق را پذیرفته بودند. در دو گروه آزمایش و کنترل به روش تصادفی جایگزین شدند. ابزار مورد استفاده، پرسشنامه «نگرش به نحوه انتخاب همسر» بود، که در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون برای دو گروه اجرا شد. آموزش طی ۸ جلسه دو ساعته برای گروه آزمایش ارائه شد. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه و آزمون تعقیبی شفه استفاده شد. نتایج نشان دهنده تأثیر آموزش (متغیر مستقل) بر نگرش افراد به نحوه انتخاب همسر (متغیر وابسته) بود. واژه‌های کلیدی: نگرش، آموزش، انتخاب همسر، تعالیم آنجلیس، درک متقابل ماهیت جنسیتی

مقدمه

خانواده هسته مرکزی اجتماع است. این نهاد نخستین اجتماعی است که شخص در آن گام می‌نهد. فرد آداب زندگی، اصول و رسوم اجتماعی، تعاون و از خودگذشتگی را در آن فرا می‌گیرد (صفایی و امامی، ۱۳۷۵). در تعریفی از خانواده گفته شده که خانواده عده‌ای افراد هستند که در یک دوره زمانی نسبتاً طولانی با هم در یک ارتباط نزدیک به سر می‌برند (دالوس^(۱)، ۱۹۹۱). پایه و اساس ایجاد و تشکیل این نهاد، ازدواج است (کویسومینگ و کلی^(۲)، ۲۰۰۰، به نقل از ایکامری^(۳)، ۲۰۰۵). ازدواج نیز تجربه‌ای است در طی زندگی که تقریباً همه افراد دیر یا زود انتظار آن را دارند. افراد خیلی کمی (احتمالاً کمتر از ۳ درصد) هستند که سرتاسر عمر خود را با یکی از اعضای خانواده منشأ (پدری) بگذرانند (لسول و لسول^(۴)، ۱۹۹۱). باید گفت ازدواج هم به لحاظ فردی و هم به لحاظ اجتماعی اهداف متعددی دارد، اما اینکه فرد در ازدواج به اهداف مطلوب خود برسد، تا حدود زیادی بستگی به نحوه انتخاب دارد (آقاجانی، ۱۳۷۵). انتخاب همسر نیز مقدمه و شروع ازدواج است. هرگاه فرد تصمیم به انتخاب «همسر» می‌گیرد، در واقع فرایند ازدواج شروع شده است.

هزاره سوم میلادی، عصری که در آن زندگی می‌کنیم، عصر تغییر و تحولات شتابنده است (رثوفی، تاریخی قوچانی دروس، ۱۳۸۳). مسأله ازدواج، انتخاب همسر، دیدگاه و نگرش افراد به این موارد نیز از قاعده تغییر و تحول مستثنی نبوده و همواره در معرض تغییر بوده و می‌باشد. که البته متأسفانه در پاره‌ای موارد منجر به زیان و ضرر افراد، خانواده‌ها و به تبع آن جامعه شده است. اینکه چه عوامل و شرایطی در این تغییر و تحول نقش دارند، متفاوت و متنوع می‌باشند. از جمله تغییر شرایط اجتماعی، اقتصادی و... در محیط و جامعه، گسترش روزافزون علوم و فنون. شاید بتوان گفت گسترش و تنوع زمینه یادگیری و آموزش به طرق مختلف منجر به افزایش شناخت و اطلاعات فرد می‌شود، که این خود در تغییر نگرش افراد تأثیر دارد.

نگرش خود مجموعه‌ای است از شناخت، احساس / عاطفه و کنش فرد در خصوص یک موضوع، که شدت و ضعف هر مؤلفه و همچنین نوع هر کدام (مثبت و منفی) بر کل

1. Dallos
3. Ikamari

2. Quisumbing & Kelly
4. Lasswell & Lasswell

نگرش تأثیر دارد (کرمی، ۱۳۸۳؛ آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۲). در این آموزش در واقع به نوعی ما درصدد افزایش شناخت و بینش افراد برآمدم و تأثیر آن بر نگرش را مورد بررسی قرار دادیم.

آنجلیس همواره بر افزایش شناخت و بینش فرد و ارائه اطلاعات رشددهنده تأکید دارد. می‌توان گفت یکی از مؤلفه‌های نگرش یعنی اطلاعات و شناخت همواره در تعالیم او مورد تأکید است. از این طریق می‌خواهد که بینش تازه و شناخت گسترده‌تری در افراد به وجود آورد. او در تعالیم خود ویژگی زنان و مردان، نحوه برقراری ارتباط طرفین با همدیگر، نوع برداشت زن و مرد از همدیگر و تأثیر سوء برداشت‌های نادرست بر روابط متقابل آنها را بیان می‌کند. او خاطر نشان می‌سازد عدم اطلاعات کافی در مورد هر چیز باعث می‌شود در برخورد با آن دچار یأس و سرخوردگی شویم. زندگی نیز از این اصل مستثنی نیست (آنجلیس، ج ۱۳۸۴).

ازدواج از نظر او موهبت و هدیه‌ای بس گرانبه است که تمامی آنچه بدان نیاز داریم تا انسانی خود آگاه‌تر و مهربان‌تر باشیم، را به ما می‌آموزد. ازدواج واقعی یعنی اینکه زوجین از لحاظ روحی، جسمی، عاطفی و جسمی به یکدیگر وابسته باشند (آنجلیس، الف ۱۳۸۴). او هدف زندگی را رشد و شکوفائی تمامی توانایی بالقوه انسان می‌داند. از نظر او دینامیسم رشد همان تغییر و فرایند تغییر است و هرگز نمی‌توان بی‌آنکه تغییر کرد، رشد کرد. زندگی در کره زمین را یک کلاس درس و انسان را دانش‌آموزانی می‌داند که باید درس‌هایی بیاموزند (آنجلیس، ج ۱۳۸۴). ما باید یاد بگیریم چگونه زندگی خود را تغییر و تحول دهیم و آغوش خود را برای سرشار از شادمانی شدن باز کنیم و این همان چیزی است که همه منتظر آن هستیم (آنجلیس، ۲۰۰۴).

او در تعالیم خود به نیروی فکر و ذهن و تأثیر شگفت‌انگیز آن بر زندگی انسان اشاره می‌کند. او هم به عشق واقعی و هم به افسانه‌های عشق و ازدواج اشاره دارد و در اینجا نیز نقش و تأثیر یادگیری و آموزش را یادآور می‌شود (آنجلیس، د ۱۳۸۴). در زمینه انتخاب همسر نیز معتقد به اصولی است که آنها را «اصول صحیح» انتخاب همسر می‌داند (آنجلیس، ب ۱۳۸۴).

در واقع تأکید اصلی و عمده آنجلیس بر تفاوت‌های زن و مرد و کسب بینش در این خصوص است. او این تفاوت‌ها را به دلایل اجتماعی و فرهنگی مربوط به هزاران هزار

سال پیش مرتبط می‌داند. از جمله اینکه ایفای نقش‌های متفاوت باعث این تفاوت شده است. مثلاً نقش مرد به عنوان نگهبان خانواده از ابتدای زندگی انسان باعث تثبیت یک سری ویژگی‌ها در وی شده است. از جمله ویژگی مراقب بودن، ساکت بودن (آنجلیس، الف و ب ۱۳۸۳). حال اگر فرد به ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی خود و جنس مکمل خود آگاهی یابد، این شناخت و بینش بر تعاملات و رفتارهای طرفین تأثیر مثبت خواهد داشت.

سیمونز^(۱) و همکارانش در اواخر سال ۱۹۹۱، برنامه آموزشی اجرا کردند. این برنامه بر عشق، دوست داشتن، روابط جنسی و با هم خوب بودن متمرکز بود. این تحقیق به عنوان یک برنامه آموزشی قبل از ازدواج به مدت سه ماه طول کشید و برای تقریباً هزار زوج در شرف ازدواج اجرا شد. در نهایت آنچه که افراد در این برنامه آموخته بودند از طریق پرسشنامه بررسی شد. مواردی که افراد بیشترین گزارش را در مورد آن داشتند کسب مهارت در ارتباط و مدیریت بحران بود. همچنین آنها گزارش دادند که این برنامه برای آنها فرصتی بود که خود را بشناسند و متوجه شوند از ازدواج چه می‌خواهند (مرکز مطالعات دانشگاه استرالیا در جنوب، ۱۹۹۲، به نقل از کلههر^(۲)، ۱۹۶۹).

در تحقیقی بگرتزی^(۳) و همکارانش به تأثیر آموزش قبل از ازدواج بر روابط زوجین پرداختند. آنها در این تحقیق از چندین پرسشنامه استفاده کردند. از جمله پرسشنامه تغییرات مطلوب و موانع ارتباط در ازدواج. این پرسشنامه خود دارای سه خرده‌مقیاس بود. الف - احساس رضایت در خصوص عدالت و تساوی در فرایند تعاملات بین فردی و متعهد بودن به روابط. ب - تمایل به طلاق و جدایی و موانع درون - روان‌شناختی در حفظ روابط. ج - موانع بیرونی - تصادفی در حفظ روابط. مقیاس‌های دیگر عبارت بودند از مقیاس رضایت زناشویی و قضاوت دوطرفه که حاوی ۹ سؤال برای اندازه‌گیری رضایت زناشویی (آردن و برَد بُرن^(۴)، ۱۹۶۸) و ۳۲ سؤال برای قضاوت دوطرفه (اسپانیر^(۵)، ۱۹۷۶) بود (بگرتزی و همکاران، ۱۹۸۴).

1. Simons

2. Kelleher

3. Bagrozzi

4. Ordon & Bradborn

5. Spainer

می‌ادوس و تاپلین^(۱) (۱۹۷۰) نیز تحقیقی تحت عنوان «مشاوره قبل از ازدواج برای دانشجویان دانشگاه، اجرای سه بعدی» در مرکز مشاوره ایالت ویرجینا انجام دادند. در این پژوهش ۱۲ زوج دانشجوی شرکت داشتند. این زوجین در دوران نامزدی بودند، مبنای نظری این تحقیق رویکرد راتلیج^(۲) (۱۹۶۸) بود. این رویکرد مدلی رشدی بود که بر چند چیز تأکید داشت. الف - لزوم ارتباط قبل از ازدواج برای درک و شناخت عمیق از شخصیت و زندگی هیجانی. ب - اهمیت درک ایفای نقش متناسب در زندگی زناشویی. ج - اهمیت مهارت‌های ارتباطی در سازگاری زناشویی. د - نیاز به ایجاد مهارت‌های حل مسئله به منظور حل مشکلاتی که به طور اجتناب‌ناپذیر در دوران نامزدی و یا ازدواج ممکن است پیش آید و شناخت محدوده‌ها و حوزه‌هایی این مشکلات. در کل روش مشاوره‌ای رهنمودی و شناختی بود و تلاش شد افراد با مشکلاتی که نقش اساسی در سازگاری آنها دارد، مواجه شوند. همچنین در خصوص موارد ذیل اطلاعاتی کسب کنند: معنای ابراز عاطفه متناسب دوران نامزدی چیست؟ مدیریت مالی را چگونه انجام دهیم؟ با خوشاوندان سببی چگونه ارتباط برقرار کنیم؟ چه احساسی در مورد تمرین قدرت در زندگی زناشویی هست؟ نتایج حاصله نشانگر تأثیر روش مذکور در ایجاد بینش و شناخت در افراد و افزایش توانایی افراد در مقابله با مشکلات بود (می‌ادوس و تاپلین، ۱۹۷۰).

در یک تحقیق نظرسنجی (زمینه‌یابی) سالیوان و بردبری^(۳) (۱۹۹۷) به بررسی رابطه بین شرکت در مشاوره قبل از ازدواج و شناخت عوامل خطر ساز با خطرپذیری افراد در قبال مشکلات زناشویی پرداختند. نتایج حاصله نشان داد که افراد شرکت‌کننده در مشاوره قبل از ازدواج در قبال مشکلات و مسائل زندگی خطرپذیری پایینی دارند (سالیوان و بردبری، ۱۹۹۷). با توجه به این تحقیقات و نتایج حاصله از آنها، ما نیز در صدد بررسی تأثیر آموزش برآمدم و با فرضیه ذیل به انجام این تحقیق کوشش کردیم: آموزش بر مبنای تعالیم آنجلیس بر تغییر نگرش افراد نسبت به نحوه انتخاب همسر تأثیر دارد.

1. Meadows & Taplin

2. Rutledge

3. Bradbury

روش پژوهش

الف - جامعه آماری و روش نمونه گیری

جامعه آماری در این پژوهش دانشجویان دختر ۱۸ الی ۲۴ ساله شهر شیراز و حومه اطراف که در ماه‌های خرداد، تیر و مرداد به مرکز جهاد دانشگاهی شیراز مراجعه نمودند، را در بر می‌گیرد. به منظور انتخاب نمونه از طریق فراخوان ۱۹۵ فرد در این محدود سنی جذب شدند. با ارائه برنامه و شرایط جلسات آموزشی تعدادی دانشجوی اعلام آمادگی کردند که از بین آنها ۳۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند و در گروه‌های کنترل و آزمایش به طور تصادفی جایگزین شدند.

ب - ابزار جمع‌آوری اطلاعات و ویژگی‌های آن

از پرسشنامه «نگرش به نحوه انتخاب همسر» استفاده شد. این پرسشنامه در ابتدا توسط کاب، لارسون و واتسون^(۱)، تحت عنوان «مقیاس نگرش نسبت به روابط عاشقانه و انتخاب همسر» (ARMSS)^(۲) و به منظور ارزیابی باورهای الزام‌آور و محدودکننده، در کانادا تدوین شد. پرسشنامه مذکور حاوی ۳۲ سؤال و ۷ عامل (خرده‌مقیاس) بوده است. مبنای نظری پرسشنامه مذکور عقاید محدودکننده لارسون (۱۹۹۳) در مورد انتخاب همسر است. لارسون در سال ۱۹۹۲ نقش عقاید را مورد بازمینی و بررسی قرار داد و ۹ عقیده محدودکننده که معمولاً افراد در پی فرایند انتخاب همسر خود به کار می‌برند، را تعریف و تعیین کرد. سپس کاب و همکارانش خرده‌مقیاس‌های این آزمون را براساس این ۹ عقیده طراحی کردند که به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- اعتقاد به اینکه فقط یک نفر می‌تواند مرا خوشبخت کند.
- ۲- عشق کافی است.
- ۳- زندگی با همدیگر بدون ازدواج (رابطه قبل از ازدواج).
- ۴- اطمینان و تضمین کامل در انتخاب همسر.
- ۵- ایده آل‌گرایی.
- ۶- عدم هرگونه تلاش در انتخاب همسر.
- ۷- با طرف مقابل کاملاً متفاوت بودن (تضاد مکمل) (کاب و همکاران، ۲۰۰۳).

1. Cobb, Larson & Watson

2. Attitudes About Romance and Mate Selection Scale

این پرسشنامه در ایران توسط فرحبخش و مصری پور در سال ۱۳۸۴ ترجمه، هنجاریابی و اجرا شد. البته تغییراتی نیز در تعداد سؤالات و کیفیت آنها داده شده است. بدین شرح که از ۳۲ سؤال به ۷۵ سؤال و از ۷ خرده‌مقیاس به ۹ خرده‌مقیاس تبدیل شد. این خرده‌مقیاس‌ها عبارتند از:

- ۱- ضرورت داشتن ارتباط با فرد مورد علاقه.
- ۲- من فقط عاشق یک نفر می‌توانم باشم.
- ۳- کفایت عشق برای ازدواج.
- ۴- سهل‌انگاری در انتخاب همسر (اعتقاد به آسان بودن انتخاب همسر).
- ۵- با طرف مقابل کاملاً متفاوت بودن (تضاد مکمل).
- ۶- آرمان‌گرایی.
- ۷- اطمینان کامل برای انتخاب.
- ۸- محور قرار دادن شناخت فرد مورد علاقه.
- ۹- اعتقاد به هماهنگی خانواده.

ج - اعتبار و روایی

این پرسشنامه در ابتدا حاوی ۵۲ سؤال و ۱۳ عامل بوده است که از طریق روایی سازه تبدیل به آزمونی با ۳۲ سؤال و ۷ خرده‌مقیاس شده است. همچنین روایی همزمان نیز برای این آزمون اجرا شده و با آزمون RBS^(۱) که حاوی ۱۵ سؤال بوده، مقایسه شده است. همبستگی کل این آزمون در سطح ۰/۹۹، $r=۴۵$ ، $p<۰/۱$ است. پایایی آن براساس ضریب آلفای کرونباخ برای همه مقیاس‌ها در کل ۰/۸۸ به دست آمده و برای خرده‌مقیاس از ۰/۶۴ الی ۰/۹۸ متغیر بوده است (کاب و همکاران، ۲۰۰۳). در ایران پایایی این پرسشنامه براساس روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و روش بازآزمایی ۰/۷۲ و روایی از طریق روش روایی واگرا در سطح ۰/۹۹ توسط فرحبخش و مصری پور بالا گزارش شده است.

پرسشنامه مذکور که براساس مقیاس لیکرت مقیاس‌بندی شده، در چهار طیف (کاملاً مخالف، مخالف، موافق و کاملاً موافق) درجه‌بندی شده است. به ترتیب از نمره

۱ الی ۴ نمره گذاری می شوند. حداقل نمره ۷۵ و حداکثر ۳۰۰ می باشد. نمره کمتر نشان دهنده این است که فرد از افکار الزام آور و محدودکننده کمتر متأثر است.

یافته‌های پژوهش

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از آماره‌های توصیفی شامل: فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد و همچنین جداول و نمودارها و در بخش آمار استنباطی از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون تعقیبی شفه استفاده شده است.

جدول ۱- فراوانی و درصد سن افراد در گروه‌های آزمایشی

گروه‌ها سن	گروه آنچلیس	گروه کنترل	جمع	درصد
۱۸	۱	۳	۴	٪۱۳/۳
۱۹	۱	۱	۲	٪۷/۵
۲۰	۴	۵	۹	٪۳۰
۲۱	۳	۱	۴	٪۱۳/۳
۲۲	۲	۱	۳	٪۱۰
۲۳	۲	۲	۴	٪۱۳/۳
۲۴	۲	۱	۳	٪۱۰
جمع	۱۵	۱۵	۳۰	۱۰۰

جدول فوق نشان می دهد اکثریت افراد ۲۰ ساله می باشند و افراد ۱۹ ساله دارای کمترین تعداد می باشند.

جدول ۲- فراوانی و درصد سن افراد در گروه‌های آزمایشی

شاخص آماری تحصیلات	فراوانی	درصد
دیپلم	۲۳	٪۷۵
فوق دیپلم	۶	٪۲۰
کارشناسی	۲	٪۵
مجموع	۳۰	۱۰۰

جدول فوق نشان می دهد افراد دیپلمه دارای بیشترین تعداد هستند.

فرضیه: آموزش تعالیم و اصول آنجلیس در زمینه درک متقابل ماهیت جنسیتی بر تغییر نگرش نسبت به نحوه انتخاب همسر و ازدواج مؤثر است.

جدول ۳- مقایسه اختلاف نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش بر مبنای آموزش تعالیم آنجلیس و گروه کنترل

سطح معناداری	نسبت F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	شاخص‌های آماری گروه‌ها
p < 0/01	۴۴/۰۴۸	۲۸۶۱/۶۳۳	۱	۲۸۶۱/۶۳۳	واریانس بین گروهی
		۶۴/۹۶۷	۲۸	۱۸۱۹/۰۶۷	واریانس درون گروهی
			۲۹	۴۶۸۰/۷۰۰	واریانس کل

بر طبق جدول شماره ۳ مشاهده می‌کنیم مقدار F محاسبه شده بین میانگین اختلاف نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آنجلیس و گروه کنترل (۴۴/۰۴۸) است که در سطح ۰/۰۱ درصد بالاتر از مقدار F جدول (۷/۶۴) می‌باشد، لذا مقدار F معنادار هست. همچنین همان‌طور که مشاهده می‌کنیم میانگین اختلاف نمرات در گروه آزمایش تحت روش آنجلیس (۱۷/۶۶) بالاتر از میانگین اختلاف نمرات در گروه کنترل (۱/۸۶۶-) می‌باشد. در سطح ۰/۹۹ نتیجه می‌گیریم که آموزش به روش آنجلیس در تغییر نگرش افراد به نحوه انتخاب همسر تأثیر داشته است.

جدول ۴- مقایسه نمرات پیش‌آزمون گروه و پس‌آزمون گروه آزمایش بر مبنای تعالیم آنجلیس و گروه کنترل

انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	شاخص‌های آماری آزمودنی	گروه‌های مورد تحقیق
۱۶/۶۰۸۹۵	۱۹۰	۱۵	پیش‌آزمون	گروه آزمایش
۱۳/۳۰۷۷۱	۱۷/۳۳۳۳	۱۵	پس‌آزمون	
۱۰/۰۴۷	۱۷/۶۶		اختلاف نمرات پیش‌آزمون-پس‌آزمون	
۱۵/۷۲۹۸۶	۱۸۲	۱۵	پیش‌آزمون	گروه کنترل
۱۶/۶۶۴۱۹	۱۸۴/۸۶۶۷	۱۵	پس‌آزمون	
۵/۳۸	-۱/۸۶۶		اختلاف نمرات پیش‌آزمون-پس‌آزمون	

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌کنیم اختلاف نمرات پیش آزمون - پس آزمون گروه آزمایش ۱۷/۶۶ می‌باشد، بدین معنی که میانگین کاهش نمرات افراد در پس آزمون معادل نمره مذکور است. همچنین اختلاف نمرات پیش آزمون - پس آزمون گروه کنترل ۱/۸۶۶ می‌باشد، بدین معنی که نمره افراد در پس آزمون تا حدی بیش از پیش آزمون شده است. این اختلاف نمرات خود نشانگر تأثیر آموزش می‌باشد.

جدول ۵- خلاصه نتایج تفاوت نمرات خرده‌مقیاس‌ها در گروه آزمایش

سطح معناداری	نسبت F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	شاخص‌های آماری	
p < ۰/۰۵	۵/۱۳۸	۵۶/۰۳۳	۱	۵۶/۰۳۳	SS _b	خرده‌مقیاس اول
		۱۰/۹۹	۲۸	۳۰۵/۳۳۳	SS _w	
			۲۹	۳۶۱/۳۶۷	SS _t	
Non SIG	۰/۱۸۴۴	۱۴/۷۰۰	۱	۱۴/۷۰۰	SS _b	خرده‌مقیاس دوم
		۱۷/۴۱۴	۲۸	۴۸۷/۶۰۰	SS _w	
			۲۹	۵۰۲/۳۰۰	SS _t	
Non SIG	۰/۰۱۷	۰/۱۳۳	۱	۰/۱۳۳	SS _b	خرده‌مقیاس سوم
		۸/۰۶۲	۲۸	۲۲۵/۷۳۳	SS _w	
			۲۹	۲۲۵/۸۶۷	SS _t	
Non SIG	۱/۴۱۸	۴۰/۳۳۳	۱	۴۰/۸۳۳	SS _b	خرده‌مقیاس چهارم
		۲۸/۷۹۰	۲۸	۸۰۶/۱۳۳	SS _w	
			۲۹	۸۴۶/۹۶۶	SS _t	
Non SIG	۱/۵۸۱	۱۶/۱۳۳	۱	۱۶/۱۳۳	SS _b	خرده‌مقیاس پنجم
		۱۰/۲۰۵	۲۸	۲۸۵/۷۳۳	SS _w	
			۲۹	۳۰۱/۸۶۷	SS _t	
p < ۰/۰۵	۴/۲۷۵	۲۴/۳۰۰	۱	۲۴/۳۰۰	SS _b	خرده‌مقیاس ششم
		۶/۰۷۱	۲۸	۱۷۰/۰۰۰	SS _w	
			۲۹	۱۹۴/۳۰۰	SS _t	

p < 0/05	۸/۱۴۳	۵۶/۰۳۳	۱	۵۶/۰۳۳	SS _b	خرده‌مقیاس هفتم
		۶/۸۸۱	۲۸	۱۹۲/۶۶۷	SS _w	
			۲۹	۲۴۸/۷۰۰	SS _t	
Non SIG	۰/۷۱۹	۱۰/۸۰۰	۱	۱۰/۸۰۰	SS _b	خرده‌مقیاس هشتم
		۷/۹۵۲	۲۸	۲۲۲/۶۶۷	SS _w	
			۲۹	۲۳۳/۴۶۸	SS _t	
p < 0/01	۷/۸۰۸	۲۸۲/۱۳۳	۱	۲۸۲/۱۳۳	SS _b	خرده‌مقیاس نهم
		۳۶/۱۳۳	۲۸	۱۰۱۱/۷۳۳	SS _w	
			۲۹	۱۲۹۳/۸۶۷	SS _t	

طبق جدول ۵ آموزش بر مبنای تعالیم و اصول آنجلس منجر به کاهش معنادار نمره افراد در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون در خرده‌مقیاس‌های اول، ششم (آرمان‌گرایی)، هفتم و نهم شده است. بدین معنا که آموزش تأثیر معناداری در این خرده‌مقیاس‌ها داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق مذکور تأثیر آموزش ماهیت جنسیتی بر مبنای تعالیم و اصول آنجلس بر تغییر نگرش دختران (۱۸ الی ۲۴ ساله) دانشجوی جهاد دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات حاکی از تأیید فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیر کلی آموزش روش مذکور بود. البته در خصوص خرده‌مقیاس‌ها نتایج حاصله نشان داد که آموزش بر چند خرده‌مقیاس تأثیر داشته است. نکته قابل ذکر اینکه «تأثیر داشتن» در این تحقیق بدین معنی است که نمره فرد در پس‌آزمون کمتر از نمره پیش‌آزمون شده است و افراد از افکار الزام‌آور و محدودکننده کمتر متأثر هستند.

در تأیید نتیجه کلی تحقیق، بررسی و مطالعه کِلهر (۱۹۹۹) در خصوص اثربخشی برنامه‌های قبل از ازدواج و ارزیابی این برنامه‌ها نشان داد که برنامه‌های قبل از ازدواج به‌طور معناداری مؤثر می‌باشند. البته ذکر می‌کند که نیاز به بهتر شدن محتوای این‌گونه برنامه‌ها هست.

روش آموزشی بر خرده‌مقیاس اول، یعنی ضرورت داشتن ارتباط قبل از ازدواج تأثیر معنادار داشته است. ازدواج در تعالیم آنجلس امر مهم و مقدسی است. آنجلس

عواملی مانند تعهد، صداقت و وفاداری را در پایداری ازدواج مؤثر می‌داند نه داشتن ارتباط گسترده قبل از ازدواج. او در تعالیم خود به‌طور عینی و مشهود بر این عوامل تأکید دارد. همچنین او بیان می‌کند که در شناخت فرد باید به رفتار، عملکرد و علائم هشداردهنده توجه داشت. در تحقیقی بگوزی و همکارانش با استفاده از پرسشنامه تعهد، پی بردند که آموزش بر ایجاد تعهد در افراد و تعهد در رضایت زناشویی افراد تأثیر دارد.

آموزش بر نمره افراد در خرده‌مقیاس ششم، یعنی آرمان‌گرایی تأثیر معنادار داشته. این مقیاس مواردی را نشان می‌دهد که کمتر به واقعیت نزدیک است. مثلاً ازدواج با شخصی که دارای تمام خصوصیات مورد نظر من باشد، نشانگر تمایل فرد به آرمان‌گرایی است. او در تعالیم خود در خصوص ازدواج و عشق، بحثی تحت عنوان افسانه‌های عشق را بیان می‌کند. از جمله افسانه‌ای که بیان می‌کند این است که همسر ایده‌آل شما را از هر لحاظ تأمین می‌کند.

افراد در خرده‌مقیاس هفتم، یعنی اطمینان کامل برای انتخاب، نمره پایین‌تری کسب کردند؛ بدین معنا که آموزش در خصوص این خرده‌مقیاس نیز تأثیر معنادار داشته است. آنجلیس در دیدگاه خود مطلق‌گرایی را زیر سؤال می‌برند. همان‌طور که گفته شده او افسانه‌های عشق را مطرح می‌کند و به آموزش در جهت منفی این افسانه‌ها اقدام می‌کند. بین نمرات افراد در خرده‌مقیاس نهم، یعنی اعتقاد به هماهنگی با خانواده نیز شاهد تفاوت معنادار بودیم. بدین معنا که افراد بعد از آموزش نمره کمتری کسب کردند. آنجلیس با توجه به شناختی که به فرد می‌دهد سعی در توانمندسازی او در تصمیم‌گیری‌ها با توجه به توانایی‌ها، علایق، ویژگی‌ها و... می‌کند. آنچه در این روش آموزشی بیان شد در واقع به نوعی کمک می‌کرد که فرد به مرحله خودتمایزسازی، که در رویکرد بوئن نیز به آن اشاره شده است، برسند. کما اینکه او در تعالیم خود وقتی از مشکلات بالقوه ازدواج صحبت می‌کند، عواملی مانند ازدواج به خاطر فشار دیگران از جمله خانواده را به‌عنوان یکی از مسائل مشکل‌ساز مطرح می‌کند.

از آنجایی که انتخاب مهم‌ترین مرحله ایجاد نهاد بنیادین و اساسی خانواده است، تأثیر عمده و مداوم بر فرد، خانواده و جامعه دارد. لذا لازم است برای پیشگیری از مسائل و مشکلات ویرانگر در این زمینه برنامه‌ریزی‌هایی باشد. چرا که همواره پیشگیری بهتر از درمان بود.

منابع

- آذربایجانی، م و همکاران، (۱۳۸۲) روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. تهران: نشر سمت.
- آفاجانی، ا. (۱۳۷۴). بررسی ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان مجرد ۱۸ تا ۲۵ ساله دانشگاه‌های تهران و رابطه آن با نگرش به ازدواج. دانشگاه تربیت معلم.
- آنجلیس، ب. (۱۳۸۳، الف). رازهایی درباره زنان. ترجمه ه، ابراهیمی. چاپ چهارم. تهران: نشر نسل نواندیش.
- آنجلیس، ب. (۱۳۸۳، ب). رازهایی درباره مردان. ترجمه ه، ابراهیمی. چاپ هفتم. تهران: نشر نسل نواندیش.
- آنجلیس، ب. (۱۳۸۴، الف). آیا تو آن گمشده‌ام هستی. ترجمه ه، ابراهیمی. چاپ سوم. تهران: نشر نسل نواندیش.
- آنجلیس، ب. (۱۳۸۴، ب). اصول صحیح همسریابی. ترجمه م، میرشکارا. چاپ دوم. تهران: نشر علمی.
- آنجلیس، ب. (۱۳۸۴، ج). رازهایی درباره زندگی. ترجمه ه، ابراهیمی. چاپ اول. تهران: نشر نسل نواندیش.
- آنجلیس، ب. (۱۳۸۴، د). رازهایی درباره عشق. ترجمه ه، ابراهیمی. چاپ اول. تهران: نشر نسل نواندیش.
- رثوفی، م. ح. و تاریخی قوجانی دروس، ا. (۱۳۸۳). تأثیر آموزش ضمن خدمت بر میزان کارایی و بهره‌وری مدیران و کارکنان. مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، شماره اول، دوره پنجم.
- صفایی، ح. و امامی، ا. (۱۳۷۵). حقوق خانواده (جلد اول)، نکاح و انحلال آن، فسخ و طلاق. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- کریمی، ی. (۱۳۸۳). نگرش و تغییر نگرش. چاپ دوم. تهران: نشر ویرایش.

Angelis, D.B. (2004). *Transformation network subscription*. [online]. Bagrozzi, D. A; Bagrozzi Judith, I; Anderson Stepan, A. & Pollane, L. (1984). Premarital education and training sequence (PETS): A 3-year Follow-up of an Experimental study. Educatin Resurces information center. Journal of Counseling and Development. October. [online] <http://eric.ed.gov/ERICweb> .

Cobb, N.P.; Larson , J.H. Watson, W. L. (2003). Development of the attitudes about romance and mate selection scale. [online]. *Proquest/love/attitudes about romance and*

- mate selection scale. (2005/08/08).*
- Dallos, R. (1991). *Family belief systems, therapy and change.* p. cm. isbn.
- Ikamari, L.D.E. (2005). *The effect of education on the timing of marriage in Kenya.*
Max-Planck - Gesellschaft. Demographic research.
<http://www.Demographic-Research.org>
- Lasswell, M. & Lasswell, T. (1991). *Marriage and family.* Third edition. Belmont, California, Wads Worth Publishing Company.
- Kelleher, J. (1999). *A literature review on the effectiveness of marriage education.*
Librarian family information center. Australian institute of family studies. September.
- Meadows, M.E. & Taplin, J.F. (1970). Premarital counseling with colleges students: a program triad. *Journal of Counseling Psychology, 17,(6), 516-518.*
- Sullivan, K.T. & Bradbury, T.N. (1997). Are premarital prevention programs reaching couples at risk for marital dysfunction? *Journal of Consulting Clinical Psychology, 65,(1), 24-30.*